

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies

Vol. 16, No. 2, (Serial. 32), Summer 2023

Research Article

doi 10.30497/qhs.2023.244006.3717



20.1001.1.20083211.1402.16.2.10.8

The Use of Multiple Meanings of Quranic Words in Persian Translations (A Case Study of Surah Al-Emran in the Translations from the First to the Ninth Century)

Esmaeil Hashemi*

Sayed Mohammadali Ayazi**

Mohammad Hosein Tavanaei***

Mahdi Mehrizi Toroghi****

Received: 13/11/2022

Accepted: 17/03/2022

Abstract

There is no doubt that contemporary translators have translated the verses of Surah Al-Imran based on the multiple meanings of the words. But this important issue is raised whether this difference in understandings of the structure of the unit of words also took place in the translations and interpretations of the early centuries. In this article, the issue of the existence of polysemous words in the Holy Qur'an and the application of how to translate them by translators has been investigated in a descriptive-analytical and inferential way, and the results have been presented using the most important and authentic translations and interpretations of the early centuries. The findings of the research show that most of the words and expressions of this surah follow the system of multiple meanings. The belief of the early translators and commentators in the principle of polysemy in the translation of the words of this surah is also evident in their works. The ancient Persian language is also so powerful that it has been able to translate the words of revelation with pure Persian constructions. The results of the analyzes make it clear that using the principle of polysemy in translation makes it possible to achieve the layers of meaning of the verses and provides the context for the Qur'an to respond to human needs.

Keywords: *Surah Al-Emran, advanced translators of the Quran, multiple meanings, criticism of the translation of the Quran.*

* PhD student in Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

seyyedesmaeel.hashemi36@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Ayazi1333@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Karaj Branch, Alborz, Iran.

Dr.tavanaieesareh@yahoo.com

**** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

m.mehrizi@srbiau.com



کاربست چندمعنایی واژگان قرآنی در ترجمه های فارسی (مطالعه موردی سوره آل عمران در ترجمه های قرن اول تا نهم)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

سید اسماعیل هاشمی*

سید محمدعلی ایازی**

محمدحسین توانایی***

مهدی مهریزی طرقی****

چکیده

در این موضوع که مترجمان معاصر، آیات سوره آل عمران را بر مبنای تعدد معانی کلمات ترجمه کرده اند تردیدی نیست؛ اما این مسئله مهم مطرح است که آیا این تفاوت برداشت ها از ساختار واحد واژگان، در ترجمه ها و تفاسیر قرون اولیه نیز جریان داشته است؟ در این مقاله، مسئله اصل وجود واژگان چندمعنا در قرآن کریم و کاربرت چگونگی ترجمه آنها توسط مترجمان به روش توصیفی - تحلیلی و استنتاجی بررسی و مطالب با استفاده از مهم ترین و معتبرترین ترجمه ها و تفاسیر قرون اولیه، ارائه شده است. یافته های تحقیق نشان می دهند که اکثر الفاظ و اصطلاحات این سوره از نظام چندمعنایی پیروی می کنند. باور و اهتمام مترجمان و مفسران متقدم به اصل چندمعنایی در ترجمه واژگان این سوره نیز در آثارشان مشهود است، زبان فارسی کهن نیز به قدری توانمند بوده که توانسته است با برساخته های ناب پارسی، به خوبی از عهده ترجمه کلام وحی برآید. نتایج واکاوی ها روشن می کند که بکارگیری اصل چندمعنایی در ترجمه، دستیابی به لایه های معنایی آیات را امکان پذیر و زمینه پاسخ گویی قرآن به نیازهای انسان عصری را فراهم می سازد.

واژگان کلیدی

سوره آل عمران، مترجمان متقدم قرآن، چند معنایی، نقد ترجمه قرآن.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. seyedesmaeel.hashemi36@gmail.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ayazi1333@gmail.com (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Dr.tavanaieesareh@yahoo.com

**** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m.mehrizi@srbiau.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجوی است.

طرح مسئله

ترجمه آیات قرآن و از جمله واژگان سوره آل عمران که موضوع این پژوهش می باشد به ویژه با تکیه بر روش چند معنایی، از موضوعات پر چالش در علوم قرآن و مباحث تفسیری آن بوده است. وجود گستردگی موضوعات، تعدد اصطلاحات، ظرائف، رموز و اشارات فراوان در کلام وحی از یک سو و تنوع و گونه گونی سلاقی و علایق مترجمان و مفسران از سوی دیگر موجب شده است تا معادل گذاری ها در این کتاب مقدس از دشواری و پیچیدگی های بسیار و در عین حال از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد.

بدون شک در پذیرش متن واحد قرآن کریم که به زبان عربی نازل شده است، بین پیروان اسلام اختلافی نیست؛ اما اختلاف در ترجمه های مختلف از این متن واحد است که گاهی چنان متنوع و متفاوت بوده که در بسیاری از موارد، مخاطبان قرآن در وصول به یک فهم مشترک از آیات الهی، دچار مشکل می شوند و نمی دانند که باید به کدامین معنی رجوع کنند و مبنای ترجمه مطلوب چیست. آیا مبنای تکیه بر معنای ظاهری و تک معنایی کلمات است؛ آن گونه که قابل فهم مردمان عصر نزول بوده و یا ملاک، برداشت مخاطبان قرآن از ظرفیت معنایی کلمات، به نسبت استعداد و ظرفیتشان در هر زمان و مکانی است؟

اگرچه وجود اختلاف در برخی معانی و حمل یک واژه به دو یا چند معنی، در ذات برخی از واژگان قرآنی طبیعی است اما از بُعد آسیب شناسانه، ناظر به عواملی، از جمله گرایش و سلیقه مترجم و مفسر است. بررسی ها این پرسش را به وجود آورد که در مباحث مربوط به ترجمه، اصولاً الفاظ و اصطلاحات قرآنی در سوره آل عمران یک وجهی اند یا از ظرفیت چندمعنایی برخوردارند؟ همچنین لزوم پرداختن به این مسئله که مترجمان و مفسران متقدم، واژگان قرآنی در این سوره را بر مبنای تک معنایی ترجمه کرده اند یا با ملاک چند معنایی؟ آیا تنها با تکیه بر معنای ظاهری الفاظ و اصطلاحات، دستیابی به لایه های معنایی آیات امکان پذیر است؟

نگارندگان این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با انتخاب و بررسی مهم ترین و معتبرترین منابع ترجمه های قرآن به زبان فارسی کهن همچون: ترجمه تفسیر طبری، لسان التنزیل، تفسیر نسفی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن لاعاجم، المستخلص، المحیط بلغات القرآن، تراجم الاعاجم، وجوه القرآن، کشف الاسرار و عدّه الابرار و ترجمان القرآن، در پی یافتن پاسخ روشن به سوالات یاد شده هستند و معتقدند که چون روش چندمعنایی در ترجمه و تفسیر کلمات، سبب کشف لایه های معنایی آیات و دریافت حقایق پنهان کلام وحی می شود، زمینه تحقق پاسخ گویی قرآن به نیازهای انسان عصری را فراهم می کند؛ همچنین قادر خواهد بود که



ترجمه ای مطلوب، مطمئن و پویا را نیز به مخاطبان قرآن ارائه دهد؛ بدین سبب ضرورت داشت که به این پژوهش پرداخته شود و زوایای آن مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در مطالعاتی که پیرامون موضوع این تحقیق انجام شده است، کتب و مقالات متعددی از اندیشمندان و صاحب نظران قرآنی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده و در نهایت وجه تمایز و تفاوت پژوهش حاضر با آنها بیان خواهد شد.

از جمله اولین آثار نگاشته شده در رابطه با موضوع چندمعنایی آیات قرآن، کتابی است از دکتر محمداسعدی با عنوان «سایه ها و لایه های معنایی؛ درآمدی بر نظریه معناشناسی مستقل فراهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری» که پیرامون نظریه معناشناسی مستقل فراهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری، مبانی زبان شناختی، قرآن شناختی، سنت شناختی و ارتباط جملات قرآن با این مبانی به بحث و بررسی پرداخته است (اسعدی، ۱۳۸۶). پس از آن شاهد کتاب سید محمود طیب حسینی با عنوان «چند معنایی در قرآن کریم» هستیم که پیرامون توسعه در دلالت های قرآنی در مبانی فقه و تفسیر و همچنین از منظر روایی مباحثی را مطرح نموده اند (طیب حسینی، ۱۳۸۹ش).

در خصوص مقالات پژوهشی نیز دکتر محمدعلی ایازی مقاله ای با عنوان «قرآن کریم و نظام چندمعنایی» نگاشته که پیرامون مدار فهم آیات و جملات و واژگان قرآن کریم، به بررسی دو نظریه مطرح در این زمینه پرداخته و پیرامون جایگاه هر یک از آنها در افاده معنایی واژه های قرآنی توضیحاتی ارائه داده است (ایازی، ۱۳۹۰ش، ص ۵۷). پس از ایشان منصور پهلوان نژاد در مقاله «معادل یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه جهانی» شیوه های دستیابی به واژگان از طریق کشف الایات مبتنی بر روابط معنایی را مورد بررسی قرار داده و در نهایت نتیجه گرفته که به کارگیری مفاهیم و روابط موجود در نظریه شبکه معنایی به عنوان پایه برای تحلیل های واژگانی کاربرد بسیار مهمی دارد. بر پایه نظریه شبکه معنایی، با نمایش معنای یک واژه در مجموعه ای از روابط معنایی در یک شبکه امکان درک عمیق تر معنای واقعی واژه میسر می شود. بر این اساس هیچ واژه ای را نمی توان به تنهایی درک کرد؛ زیرا درک هر واژه مستلزم آگاهی از روابطی است که آن واژه با واژه های دیگر در همان حوزه و دیگر حوزه ها دارد. (پهلوان نژاد، ۱۳۹۰ش، ص ۴۳).

پوررستمی نیز در مقاله ای با عنوان «وجوه و توسعه معنایی آیات قرآن در اندیشه علامه طباطبایی» نظر علامه طباطبایی را پیرامون آیات قرآن در ابعاد معناشناسانه و آسیب شناسانه مورد بررسی قرار داده و سیری روشمندانانه با توجه به قرائن و شواهد عقلی و نقلی در پژوهش خود ارائه می دهد (پوررستمی، ۱۳۹۰ش، ص ۴).

همچنین از میان پژوهشگران غربی نیز می توان به مقاله آندرو ریپین با عنوان مدخل «تفسیر» در *دائرةالمعارف جهان اسلام* اشاره کرد که توسط دکتر مهرداد عباسی ترجمه گردیده است. نویسنده این مقاله، تفسیر را در قالب گونه ای ادبی بررسی می کند و پس از دسته بندی تفاسیر برحسب عناصر تاثیرگذار و تقسیم تاریخ قرآن به چهار دوره مستقل، یادآور می شود که تحلیل مفسران و مترجمان، بسته به نگاه آن مفسر به جهان خارج است و اهمیت نسبی که مفسر به تاریخ، ادبیات، معنی شناسی، فقه، کلام و فرهنگ عامه می دهد، در تحلیل و ترجمه و تفسیر وی بسیار اثرگذار است (مک اولیف، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۸۴).

آثار فوق الذکر به موضوعاتی همچون: بررسی نظریه هایی پیرامون مبانی فقه و تفسیر، نوع ترجمه، شمول معنایی از منظر روایی، ابعاد معناشناسانه، معادل یابی و برخی گونه های ادبی در ترجمه قرآن اشاره کرده اند؛ اما هیچ یک از این آثار، به بررسی تعدد معانی واژگان یک سوره خاص در ترجمه های فارسی بویژه با تأکید بر ترجمه های قرون اولیه نپرداخته اند. بنابراین وجه تمایز و نوآوری مقاله حاضر از دیگر پژوهشهای معاصر در این مطلب مشخص می شود.

۱. چستی نظام چند معنایی

در نظام چند معنایی، واژه ای با یک ساختار و اعراب، در موضع واحد، بر چندین معنی متفاوت دلالت می کند؛ به طوری که همخوانی تمامی معانی مذکور با بافت متن مرتبط می باشند؛ به بیان بهتر، در تعدد معنایی واژگان، مترجم و مفسر می کوشند تا از معنای ظاهری گذر کرده و برای رسیدن به لایه های معنایی آیات، از تمام ظرفیت معنایی واژگان استفاده کنند. مثلاً کلمه «أَبًا» در آیه «وَفَاكِهَةً وَأَبًّا» (عبس: ۳۱) از مصادیق چندمعنایی است. معانی مختلفی که برای کلمه «أَبًّا» در کتب لغت بیان شده بدین شرح است: آنچه از زمین می روید و حیوانات می خورند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۴)، نوعی انجیر خاص با طعمی ویژه، مرتع و چراگاهی برای چهارپایان (قرطبی، ۱۹۶۴م، ج ۱۹، ص ۲۲۲)، میوه های خشک، علف، هر آنچه از نباتات که انسان ها و حیوانات می خورند (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۲۳۱-۲۳۲)، هر آنچه را که خدا برای بندگانش



و مرکب‌هایشان آفریده است (زمخشری، ۲۰۰۸م، ج ۴، ص ۷۰۴)، چراگاه برای دام‌ها بسان میوه‌ها برای انسان‌ها است (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۷۱۴).

این برداشت‌ها جملگی با بافت آیه همخوانی دارند و به هسته معنایی یعنی روئیدنی‌ها اشاره می‌کنند بنابر این کلمه «أَبًا» در این آیه می‌تواند به هر یک از معانی خود دلالت کند. گرچه با توجه به سیاق آیات قبل و جمله «فَأَنْبَتْنَا» در صدر آیات و جمله «مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ» در پایان آیه، به نظر می‌رسد برخی از برداشت‌ها مثل چراگاه، انجیر و میوه‌های خشک از سوی طبرسی، قرطبی و طبری، برداشت‌های مطلوبی نبوده و با بافت آیه همخوانی پیدا نمی‌کنند؛ زیرا چراگاه، مکان است و روئیدنی نیست؛ همچنین میوه‌های خشک. انجیر نیز قبل از «أَبًا» از دل فاکهه قابل برداشت است و نیازی به ذکر مجزا ندارد.

کلمات «يُصَوِّرُ»، «حَبْل»، «زَيْغ»، «حَبِط»، «حَنِيف» و بسیاری دیگر از واژگان نیز از گروه کلمات چند معنایی هستند. برخی، پدیده چند معنایی را ناشی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، روحی - روانی و تغییرات زبانی می‌دانند. (منقور، ۲۰۰۱م، ص ۷۰)؛ اما به نظر می‌رسد خداوند با خلق و گزینش الفاظ چند معنایی و قرار دادن آنها در متن کلام وحی، زمینه و شرایطی مهیا کرده تا مخاطبان قرآن در هر عصری بتوانند به نسبت استعدادشان، به معارف و مفاهیم پنهان آیات قرآن دست یابند. برخی می‌گویند:

«مفهوم هر آیه که بر حسب خصوصیات مورد نزول به ذهن می‌آید معنایی ظاهری آیه، و مفهوم عام برگرفته از آیه که قابل انطباق با موارد مشابه می‌باشد معنای باطنی و به عبارتی تأویل آیات است و همین معنای ثانوی عام آیه، ضامن بقای آن در گستره زمان است» (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۹۸).

از جمله مهمترین شاخص‌های تشخیص وجود چندمعنایی در واژگان می‌توان به دو شاخص «رابطه مفهومی» و «دلالت بر تمام معنایی در موضع واحد» اشاره کرد. مهمترین شاخصی که هم موجب شناخت بیشتر و هم سبب تمایز اصل چندمعنایی از موارد مشابه می‌شود، «رابطه مفهومی» است به معنی وجود یک معنای اصلی و محوری قابل برداشت از معانی متعدد کلمه؛ به گونه‌ای که بتوان از تک تک معانی؛ آن مفهوم اصلی را دریافت کرد. مثلاً در برداشت‌های متعدد از واژه «نفس» (آل عمران: ۲۵) مشاهده می‌کنیم که بین معانی: تن، جان و خون که برای این واژه ذکر شده است (بخارایی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۵۵) تفاوت ساختاری وجود دارد و هیچ یک از این معانی را با هم شباهتی نیست.

اما باید گفت که کلیه این معانی در بیان مفهوم «هستی هر چیزی» با یکدیگر مشترکند. همچنین از معادل‌های پایداران و جاوید باشندگان که در ترجمه کلمه «خالدین» (آل عمران: ۱۵) ارائه شده است (محقق، ۱۳۴۴ش، ص ۴۰ و ۱۱) معنای محوری همیشه زنده برداشت می‌شود. برخی گفته‌اند وقتی می‌توانیم اصطلاح چند معنایی را در واژه‌ای به کار ببریم که بین معانی متعدد آن ارتباط مفهومی وجود داشته باشد (رحیمیان، ۱۳۸۹ش، ص ۱۸۴).

شاخص مهم دیگر در نظام چند معنایی، دلالت همزمان کلمه بر تمامی معانی خود در موضع واحد است؛ به گونه‌ای که خدش‌های در معنا و مقصود آیه ایجاد نشود. مثلاً کلمه «حَبَل» (آل عمران: ۱۰۳) با معانی «زنهار» (یاحقی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۲۷۸)، «سبب» (اسفراینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۳۹۵ و ۴۰۸)، «رسن»، «عهد» (بخارایی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۳)، «کتاب خدا، خدا» (محقق، ۱۳۴۴ش، ص ۲۰۱)، «دین، نگاهداشت» (یغمایی، ۱۳۵۶ش، ج ۱، ص ۲۳۴) و «ایمان، فرمان، قرآن، اتفاق مؤمنان» (نسفی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۲۳) از این گروه کلمات است که می‌تواند در آیه یاد شده، بر هر یک از معانی خود حمل شود؛ بدون آنکه خدش‌های به مفهوم آیه وارد گردد. به باور برخی صاحب‌نظران:

«مقصود از چند معنایی آن است که لفظ یا عبارتی در یک بار استعمال و در یک متن مشخص، مفید معانی مختلف و متعدد باشد و بتوان تمام آن معانی را مقصود گوینده به شمار آورد» (طیب حسینی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۳، ص ۸۷-۱۱۳).

۲. چستی توسعه معنایی

مراد از توسعه معنایی، تحول و تغییر لفظ از معنای اولیه به معنی یا معانی جدید به نسبت شرایطی است که مصادیق تازه و نو برای انطباق طلب می‌کنند؛ یعنی بسیاری از واژگان کلام وحی از جهت معنا دارای ظرفیت‌های مختلف و متنوعی می‌باشند که محدود به برداشت مردمان یک عصر نمی‌شوند و در طول زمان و متناسب با مفاهیم و رخداد‌های جدید، گسترش می‌یابند. مثلاً کلمه عبادت و مشتقاتش «العباد، عباداً، أُعبُدوا، نُعبَد، عبید» (آل عمران: ۱۵، ۲۰، ۳۰، ۷۹، ۵۱، ۶۴، ۱۸۲) نمونه‌هایی از توسعه معنایی هستند.

عبادت که در لغت «هموار کردن» [طریق مُعبَد: راه هموار شده] و اصل عبودیت که شامل عبادت نیز می‌شود، نزد همه عرب به معنی ذلت و خاکساری است. (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص



معنای قدیم عبادت «نوعی تسلیم شدن و انقیاد آگاهانه و بدون مقاومت» و در حقیقت، اساس عبادت، خضوع و تذلل بوده است که قبائل عرب پیش از اسلام با آن آشنا بوده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۰) با آنکه معنی این واژه در دوران جاهلی با معنای آن بعد از ظهور اسلام همسانی دارد؛ اما قرآن این واژه را در معنای جدید به «عبادت خداوند یگانه» اختصاص داده و با معادل‌های «یگانه دانستن و یگانه پرستی، اطاعت خالصانه، بندگی و بردگی» توسعه معنایی داده است. بلخی نیز در کتاب الأشباه و النظائر فی القرآن الکریم به این مطلب اشاره کرده است. (بلخی، ۱۹۷۵م، ص ۲۸۸) بنابراین، معنای قدیم عبادت که «خاضعان و ذلیلان و تسلیم شدگان» بوده است، به معنای «بندگان» و معنای قدیم «أَعْبُدُوهُ» که «خاضع و ذلیلش باشید، تسلیمش شوید» به معنای «پرستیدش» توسعه معنایی یافته‌اند.

نمونه دیگر، کلمه «قَوْل» در آیه «فَبَيَّنَّ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۸) است که بعد از عصر نزول، اغلب قَوْل را قرآن، حدیث و اوامر الهی تفسیر کرده‌اند. این برداشت به ویژه در تفاسیر روایی کاملاً مشهود است. مثلاً قَوْل به معنای سخن ائمه (کلینی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۱) و به معنای قرآن (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۴۶) در منابع روایی و حدیثی تفسیر شده است. بر مبنای این برداشت، معنای آیه چنین است: پس بندگان مرا مژده ده؛ آنان که قرآن، حدیث و اوامر الهی را بشنوند و نیکوترین را برگزینند. اما با گذشت زمان و ارتقای سطح بینش مردمان، برداشت اولیه از این واژه، توسعه معنایی یافته است؛ زیرا هیچ دلیلی در دست نیست که مقصود از قول در این آیه، فقط قرآن، حدیث و اوامر الهی باشد؛ بلکه قَوْل می‌تواند در لایه دیگر معنایی، هرگونه سخنی را شامل شود؛ بنابراین، نظر به توسعه معنایی، برداشت از آیه این است: پس بندگان مرا مژده ده؛ آنان که سخن (تمام سخنان اعم از سخن قرآن و یا سخنان دیگر) را بشنوند و نیکوترین را برگزینند. مشاهده می‌کنیم که «قَوْل» هم از جهت عدول از معنای نخست؛ و هم از جهت تغییر در گستره‌ی معنایی، تحول یافته است.

۳. موافقان وجوه و توسعه معنایی

اکثریت قرآن پژوهان و صاحب نظران قرآنی به وجوه مختلف معنایی واژگان قرآن توجه و اهتمام داشته‌اند و دلایل و مستندات در تایید آن اقامه کرده‌اند، چنانکه برخی گفته‌اند «اصل اشتغال بر معانی باطنی، مدلول روایات فراوانی است که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند» (طیب حسینی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۴۱). از جمله موافقان که از عصر نزول تا قرن معاصر، حضور فعال داشته‌اند، می‌توان از جریانات و فرق اسلامی نام برد؛

از جریان کلامی و فرق صوفیه گرفته تا جریان باطنیه، و از فیلسوفان و علم‌گرایان گرفته تا صاحب‌نظران علوم اجتماعی، جملگی از موافقان تعدد و توسعه معنایی بوده‌اند و این موضوع در آثار و نظراتشان به چشم می‌خورد. مثلاً برداشت‌های عقلی و اجتهادی کلامیان از قرآن، گویای آن است که در مکتب کلامیان، تفسیر نوعی برداشت عقلانی از قرآن کریم بوده است که مفسر کوشیده است با برداشت معانی متعدد از آیات و با استفاده از استدلال‌های کلامی، به تبیین باورهای مذهبی بپردازد یا به شبهات مخالفان پاسخ دهد.

به عنوان نمونه در ترجمه واژه «سَقْفًا» در آیه «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا»؛ و آسمان را بامی ساختیم نگاه داشته (انبیاء: ۳۲) آن را از منظر عقل مورد بررسی قرار می‌دادند و معتقد بودند آسمان نمی‌تواند بام زمین باشد؛ در نتیجه به معنا یا معانی فراتر از معنای ظاهری می‌پرداختند. شیخ طوسی از جمله متکلمانی است که به نظام چند معنایی معتقد بوده و نسبت به استعمال لفظ در بیش از یک معنی نظر موافق دارد. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۱) گروه دیگر عرفا و صوفیه هستند که برای الفاظ قرآن بیش از یک معنی متصور بوده‌اند؛ مثلاً رشیدالدین میبدی برای بسیاری از کلمات قرآنی از جمله در ترجمه مشتقات «أَسْلَمَ» بیش از دو معنی را برداشت کرده که با معانی ظاهری تفاوت‌های کلی دارند. وی برای «أَسْلَمْتُ»، معنای خویشتن بیفکنید و برای «أَسْلَمْتُ» معنای فرا دادم، فرا سپردم و در ترجمه «مُسْلِمُونَ» معنای گردن‌نهادگان و مسلمانان باشید (آل‌عمران: ۲۰، ۵۲، ۸۰) را منظور کرده است. (میبدی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۴۵، ۱۳۰، ۱۷۶)

آن‌ها با استناد به برخی روایات معتقد هستند که در پس ظاهر کلمات و آیات قرآن معانی پنهانی هست و آن معانی نیز متضمن معانی دیگرند و این لایه‌های معنایی را تا هفت بطن و لایه دانسته‌اند. (آملی، ۱۳۶۸ش، ص ۵۳۰) از نظر آنان زبان معارف و حقایق، زبان راز و اشارت است و نزد اهل الله خبر دادن از مراد، بدون عبارت و لفظ است. (زنجانی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۰۳) فلاسفه؛ چه در قدیم و چه جدید نیز بر این باورند که اکثر چندمعنایی‌ها، حاصل تفکر عقلانی است؛ بنابراین، کلام وحی که دارای ایما و اشاره است، نمی‌تواند در معنی ظاهری خلاصه و محدود شود. ابو علی سینا از فلاسفه و حکمای نامدار، بر این نظر است که خداوند به حقایقی ورای آنچه که مردم از ظاهر این الفاظ می‌فهمند اراده کرده است و آن معانی را جز خواص درک نمی‌کنند. (ابن سینا، ۱۳۶۰ش، ص ۲۳۲) علم‌گرایان هم از موافقان نظام چند معنایی هستند و ترجمه و تفسیر قرآن به روش علمی را می‌توان در آثار مفسران کهن از جمله ابو حامد غزالی، فخر رازی، ابن ابی‌الفضل المرسی، زرکشی و سیوطی، مشاهده کرد.

ذهبی می‌گوید:



«مقصود ما از تفسیر علمی آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم کند» (ذهبی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۴۷۴).

در این شیوه، مفسر سعی می کند با بهره از علوم مختلف و رعایت ضوابط معتبر تفسیری به منظور بیان بهتر آیات قرآن، وجوه مختلف معنایی واژگان را درک و به کشف بسیاری از معانی مجهول قرآن پردازد. مثلاً در آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (نور: ۳۵) کلمه نور در تمام ترجمه های تحت اللفظی به نور و روشنایی ترجمه شده است و به نظر می رسد که ترجمه مناسب و مطلوبی نیست؛ اما علمگرایان در ترجمه نور به معنایی متفاوت از معنای ظاهری روی آورده اند؛ آنها گفته اند مفهوم نور در این آیه معنوی است و نیاز به تفسیر و تأویل دارد؛ به همین سبب برای این واژه معانی هدایت، تدبیر، فروغ، ذات و موجودیت را ارائه داده اند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۹۰)

۴. مخالفان وجوه و توسعه معنایی

مخالفان اعتقاد دارند هر کلمه برای دلالت بر یک معنای خاص وضع شده است که معنای اصیل آن به حساب می آید و از نظر عقلی ممکن نیست که یک لفظ بتواند نمایه بیش از یک معنا باشد. میرزای قمی، آخوند خراسانی و غروی نائینی، از جمله علمایی هستند که بر این نظرند و چند معنایی الفاظ قرآن را مردود دانسته اند؛ آنها معتقدند یک لفظ در آن واحد نمی تواند فانی در دو معنا باشد. (محمدی، ۱۳۷۰ش، ص ۸۷) در پاسخ به مخالفانی که چند معنایی را سبب اخلال در کلام وحی دانسته اند، گفته شده که دو یا چند معنایی بودن؛ نه تنها ایجاد اخلال نمی کند؛ بلکه هرچقدر معناها و ابعاد آن بیشتر باشد، بدیع تر و شگفت انگیزتر است. (وحیدیان، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۲) به نظر می رسد قول موافقان قول صائب باشد؛ چرا که استعمال لفظ در بیش از یک معنی، نه تنها ضعف و نقصان نیست؛ بلکه از محسنات کلام به حساب می آید و از سویی سبب می شود متشابهات قرآن به شکل مطلوب ترجمه و معانی بطنی آیات به خوبی روشن گردد.

۵. اقسام چند معنایی در قرآن کریم

با توجه به اینکه چند معنایی در سطوح مختلف تکواژه، واژه، اصطلاح و جمله شکل می گیرد و سبب تحول در معانی الفاظ می شود؛ همچنین موجبات دگرگونی یک زبان را نیز فراهم می سازد؛ لذا شناخت کامل آن و آگاهی از وجوه تمایزش با موارد مشابه (اقسامی از چند معنایی) از اهمیت

زیادی برخوردار است؛ بنابراین، اشاره به انواع و اقسامی از چند معنایی ضرورت دارد. برخی از مهمترین اقسام چند معنایی در قرآن کریم به شرح ذیل است:

۱-۵. اشتراک لفظی

با آنکه مشترک لفظی، از شاخه‌های چندمعنایی شناخته می‌شود و زبان‌شناسان در گذشته، کلماتی با بیش از یک معنا را چندمعنایی می‌دانستند و میان اشتراک لفظی و چندمعنایی مرزی قائل نبوده‌اند؛ اما حقیقت آن است که بین این دو تفاوت‌های اساسی وجود دارد. این اصطلاح به الفاظی اطلاق می‌شود که بیش از یک معنی داشته باشند؛ اما این معانی در جایگاه‌های مختلف مصداق یابند و منظور گوینده در هر موضع، فقط اراده یک معنی از واژه باشد و با آنکه لفظ می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد؛ اما دلالتش بر هر یک از آن مصادیق بایستی به کمک قرینه انجام شود. برخی گفته‌اند در مشترک لفظی بدون وجود قرینه نمی‌توان فهمید گوینده، کدام مفهوم را در آن موضع اراده کرده است. (ابن سینا، ۱۴۰۵ق، ص ۷۴)

برای مثال، مصداق اشتراک لفظی در زبان فارسی واژه «شیر» با معانی حیوان درنده، مایعی نوشیدنی، وسیله‌ای برای باز و بسته کردن راه ورود و خروج مایعات می‌باشد. در زبان عربی نیز می‌توان کلمه «صَلوة» را مثال زد که در آیات مختلف قرآن با معانی متعددی از جمله: نماز (آل عمران: ۳۹)، نمازهای پنج‌گانه (بقره: ۳)، دعا کردن (توبه: ۱۰۳)، دین (هود: ۸۷)، قرائت کردن (اسراء: ۱۱۰)، استغفار و طلب رحمت (احزاب: ۵۶)، جایگاه‌های نماز (حج: ۴۰) ذکر شده است؛ ولی اراده همزمان تمام این معانی در موضع واحد از این واژه ممکن نیست.

۲-۵. مترادفات

ترادف در لغت به معنای آمدن چیزی پس از چیز دیگر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۹۰) برخی در بیان این اصطلاح گفته‌اند که ترادف یعنی دلالت دو یا چند لفظ بر معنای واحد که منشأ آن واضع واحد یا وضع افراد یا جمعیت‌های متعدد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است. (سجادی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۴۷) در زبان شناسی، اصل بر آن است که هر لفظ معادل یک معنی آورده شود؛ اما در مواردی که چند لفظ، یک مفهوم مشترک پیدا می‌کنند، این اصل مستثنی می‌شود و آن الفاظ مترادف یکدیگر به حساب می‌آیند؛ در حقیقت ترادف حالتی است که دو یا چند واژه در عین اختلاف در اعراب و ساختار، معنایی همانند داشته باشند.



مانند: فردوس و جَنّه به معنای بهشت؛ یا الفاظ مُهَنّد، حُسام و بَمانی برای مفهوم شمشیر؛ الفاظ مَطَر و عَيْث برای باران. برخی لغت شناسان واژگان عثیر و حمار را برای الاغ و الفاظ جَلَس و قَعَد را برای نشستن، نمونه های دیگری از مصادیق مترادف ذکر کرده اند. (عبدالتواب، ۱۳۶۸ش، ص ۳۵۰)

مترادفات در متون قرآن نیز فراوان آمده است. برخی با آنکه میان «ضیاء و نور» در بیان روشنایی (یونس: ۵) و «خوف و خشیت» در بیان ترس (طه: ۷) و بسیاری دیگر از این قبیل، اختلاف ظریفی در تفسیر و تاویل آنها بیان کرده اند؛ اما این کلمات را از گروه مترادفات آورده اند. (زرکشی، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۳۴۱)

۳-۵. حقیقت و مجاز

به کارگیری لفظ در معنایی که واضع برایش وضع کرده است را «حقیقت» و استعمالش در معنایی غیر موضوع له که با قرینه همراه باشد را «مجاز» می گویند؛ به بیان بهتر، حقیقت دلالت بر معنایی دارد که کلمه در اصل برای آن وضع شده است مثلاً به کار بردن لفظ «آسد» در معنای حیوانی درنده، حقیقت و استعمالش همراه با قرینه برای مرد شجاع را مجاز است. در ذکر حقیقت و استعمالش در آیات قرآن اختلاف چندانی نیست اما در باب مجاز؛ به دلیل گستره وسیع در برداشت و کاربرد آن چالش های فراوانی وجود داشته است؛ تا جایی که تعدادی از علما و لغت شناسان چون راغب و ابن فارس ابو اسحاق اسفراینی، ابن القاص شافعی، ابومسلم اصفهانی و دیگری به انکار آن پرداخته اند. (قرطبی، ۱۹۶۴م، ج ۱۱، ص ۲۶)

۴-۵. کنایه

کنایه آن باشد که لفظی را گویند و از آن معنی حقیقی را اراده کنند؛ یعنی ذکر یک مطلب و اراده مطلب دیگر از آن؛ همان گونه که برخی در معنای اصطلاحی کنایه گفته اند: آوردن لفظی است که غرض از آن، لازمه معنای دیگر است با جواز اراده لازم آن معنی (سکّاکي، ۱۹۳۷ق، ص ۱۷۰) کنایه، از معیارهای زیبا سخن گفتن است و آن هنگام به کار می آید که بیان صریح بعضی از معانی، مناسب نباشد یا گوینده قصد ایجاد جذابیت و زیبایی در کلام را داشته باشد؛ به گونه ای که مخاطب را به فهم آنچه در سراپرده کلام نهفته شده برساند. واژگان کنایی در بسیاری از زبان ها از جمله زبان عربی، در تفهیم مقاصد، رساتر از الفاظ صریح هستند و کمک می کنند تا با کمترین کلمات، عمیق ترین معانی و مفاهیم برداشت و انتقال یابند.

گرچه در زبان، اصل بر این است که لفظ بر یک معنی دلالت کند؛ ولی ساختار و مقصود لفظ و اصطلاح کنایه به گونه ای است که از آن، اراده دو یا چند معنی شده است. دایره کنایات بسیار وسیع و فراگیر است و مواردی همچون استعاره، تلمیح، حفر، حکایه، دعابه، رموز، مجازات و از این قبیل را در برمی گیرد. در قرآن کریم نیز کلمات و اصطلاحات کنایی فراوانند که برای نمونه به دو مورد اشاره می شود: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»؛ اوست که شما را از یک تن آفرید. (اعراف: ۱۸۹) که مراد از نفس واحده، همان آدم ابوالبشر است. یا در آیه «وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ در زندگی پسین به آنان ننگرد. (آل عمران: ۷۷) در این آیه نیز کلمه «لَا يَنْظُرُ» دو معنی دارد: معنای نخست و ظاهری نگاه نکردن خداوند به کافران است، اما معنای دوم و حقیقی غضب خداوند است.

۵-۵. ظاهر و باطن

برخی لغت شناسان نوشته اند در فرهنگ قرآن به آنچه که آشکار و قابل رویت باشد، ظاهر و به امور پوشیده و پنهان، باطن گفته می شود، مانند: امور دنیوی و اخروی. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۷ - ۳۱۸) کلام وحی بر دو بنای ظاهر و باطن استوار شده است. ظاهر قرآن قابل فهم عوام و خواص است اما معانی باطنی، فراتر از عرف و خارج از فهم عوام می باشد و خود دارای مراتبی است که خواص نیز به نسبت فهم خود در آن مراتب جای می گیرند و از لایه های پیچیده و ظریف آن برداشت می کنند.

در اهمیت جایگاه بطون قرآن همین بس که معانی بطنی آیات، اصلی ترین دلیل ماندگاری این کتاب مقدس در گذر زمان است و به وجود این معانی بطنی و اهمیت آنها در کلام وحی بارها تصریح شده است، مانند: «فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَاطِنٌ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ» (حدید: ۱۳)، «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ» (حدید: ۲)، «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» (لقمان: ۲۰).

در روایات نیز از امام باقر(ع) نقل شده که فرمودند: «مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴) روشن است که معانی باطنی، مدلول الفاظ قرآن نیستند و برای فهم دقیق آنها باید از قرائن، شواهد، مراجعه به آیات و روایات استفاده کرد. مثلاً در تفسیر بطنی به کمک روایات، به سخن مفضل اشاره می شود که گوید: از امام صادق درباره ی آیه ی «فَالِقُ الْخَيْبِ وَ النَّوَى» پرسیدم، فرمود: «حَبِّ، مومن است و نوا، کافری است که از حق دور افتاده و آن را نپذیرفته است». (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۳۷۰)

۶. مصادیقی از چند معنایی در سوره آل عمران

اکثر واژگان این سوره، تاب آوری دلالت بر بیش از یک معنا را دارند؛ این تاب آوری در برخی کلمات، گاه به بیش از دو یا چند معنای مختلف توسعه می یابد که در آثار مترجمان و مفسران قرون اولیه بعد از عصر نزول، به این الفاظ و معانی متعدد شان پرداخته شده است. با توجه به عدم امکان طرح تمامی الفاظ در این مقال، به عنوان نمونه نتایج بررسی تعدادی از مهم ترین کلمات که بار معنایی بیشتر و از تعدد معانی زیاد تری برخوردار بودند ارائه می شود.

۶-۱. واژه «زَیغ»

واژه «زَیغ» که مصدر «زَیغ» می باشد، در لغت به معنای انحراف از حق مطلوب (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۲۶)، کشش و عدول (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۳۲) آمده است. برخی هم آن را شک و ظلم ترجمه کرده اند. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۰۷) این واژه در اصطلاح، به معنای انحراف و تمایل از پایداری در راه دین آمده است. ابوهلال عسکری درباره «زَیغ» چنین نگاشته است: «زَیغ به طور مطلق درباره انحراف از راه حق به کار می رود و اینکه گفته شده: فلان من أهل الزَّیغ یا زاع عن الحق؛ ولی گفته نشده: زاع عن الباطل؛ به سبب آن است که زَیغ اسم است برای گرایش ناپسند» (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۹).

زَیغ در ترجمه های متقدم به معنی شک (یغمایی، ۱۳۵۶ش، ج ۱، ص ۱۹۹)، چفتگی و کزی (مبیدی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۱۵)، گرایستن از راه راست (نسفی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۳۳۵)، گردیدن آمده است. (اسفراینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۳۳۵) بخارایی آن را از حق شخیصیدن و شخیصیدن را به لغزیدن معنی کرده است. (بخارایی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۷) در برخی آثار نیز به معنای بگشتن (محقق، ۱۳۴۴ش، ص ۱۹۸) و در برخی دیگر کژی و انحراف از حق ترجمه شده است: «لاثرغ» یعنی از حق منحرف مگردان (مخلوف عدوی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۷)

به نظر می رسد برخی از برداشت های مترجمان از زَیغ ناظر به کلمات مترادف آن مانند ضلالت، میل، انحراف و غوایت و معانی آنهاست؛ بنابر این، از ضلالت به معنای گمراهی و تجاوز از راه میانه (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۹) و از غوایت به معنای گمراهی و فرو رفتن در باطل و از میل به معنای درگذشتن از حد میانه استفاده کرده اند. برخی بر این باورند که واژه زَیغ، همان روی گردان شدن از دیدن هدف، آشفتگی در درک مقصود، پریشان خاطرگی در توجه به حق و رویگردانی از صراط مستقیم در ادامه حیات است. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۳۲۵)

لازم به ذکر است که زَیغ، استثنائاً در آیه «وَ إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ» (احزاب: ۱۰) به معنای خیره شدن می‌باشد. برداشت‌های یاد شده از زَیغ در آیه «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ» (آل عمران: ۷) عبارتند از: اما آنان که کژ دل اند، اما آنان که در دل هاشان تردید است، اما آنان که دل هاشان از حق روی گردانند؛ اما آنان که در دل هاشان لغزش است. بنابر این، می‌توان گفت ویژگی چند معنایی در زَیغ، سبب شده است تا دلالتش بر هر یک از معانی یاد شده در این آیه صحیح باشد؛ همچنین مفهوم اصلی نوعی گمراهی از مسیر حق به عنوان بافت کلی در تمام معانی قابل دریافت است. در حقیقت، زَیغ در آیات قرآن، معنایی کلی‌تر از فهم ظاهری دارد. زَیغ در واقع، نوع خاصی از انحراف از مسیر حق است که در پی آن گرویدن به باطل صورت می‌پذیرد.

۲-۶. واژه «حَبَل»

واژه «حَبَل» به معنای ریسمان و طناب و کلمات «احْبَل، حَبال و حُبول» جمع‌های آن هستند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳۴) استفاده از حَبَل به معنای افسار، از برداشت‌هایی است که در قدیم، بین اعراب مرسوم بوده است. مثلاً برای طلاق دادن، غالباً جمله: «حَبَلک عَلَی غَارِبک»، افسارت به گردنت را به عنوان صیغه طلاق به کار می‌بردند. (نوری، ۱۳۸۵ش، ص ۶۱۵)

برخی معتقدند حَبَل عبارت است از چیز کشیده شده و طولانی که برای رسیدن به هدف یا بستن چیزی و محکم کردن، به آن متوسل می‌شوند. (مصطفوی، ۱۴۳۰ش، ج ۲، ص ۱۶۱)

مترجمان و مفسران قرون اولیه پس از عصر نزول، این واژه را به معنای: سبب، عهد (اسفراینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۳۹۵)، عهد، رسن، کتاب (بخارایی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۳)، عهد و کتاب (محقق، ۱۳۴۴ش، ص ۲۰۱)، عهد و پیمان (مخلوف، ۱۳۸۸ش، ص ۳۱)، دین، نگاهداشت (یغمایی، ۱۳۵۶ش، ج ۱، ص ۲۳۴)، زینهار (میبدی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۲۲۷-۲۴۲)، عهد، دین، نامه، رسن، و ریگ‌هایی که بر زمین چون رسنی باشند (جرجانی، ۱۳۶۰ش، ص ۹۹) ترجمه کرده‌اند. همچنین در نُسَخ خطی قرآن‌های کهن به معنی پیوند، پیمان، گوشه و زینهار معادل‌گذاری شده است. (یا حقی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۲۷۸)

این واژه در اصطلاح قرآنی هم به معنی پیمان و عهد در آیه «ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَةَ أَيْمَانًا تُقْفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ»؛ هر کجا باشند فرمان خواری برایشان جاریست مگر آنکه در پناه و پیمان خدا یا در پناه و پیمان مردم باشند (آل عمران: ۱۱۲)، و هم به معنی رگ گردن در آیه «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»؛ و ما از رگ گردن به وی نزدیک‌تریم (ق: ۱۶) آمده است.



نگارندگان بر این نظرند که معانی اصلی حَبَلِ رِيسْمَان، سبب، رسن، نگاهداشت می باشند؛ اما زمانی که حَبَل با الله ترکیب گردد «حبل الله» برداشت های بیشتری از آن صورت می گیرد که جملگی معانی مجازی هستند. مثلاً در آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»؛ همگی به رِيسْمَانِ خدای دست فرا برید. (آل عمران: ۱۰۳) رِيسْمَانِ معنای اصلی حَبَلِ است؛ ولی از رِيسْمَانِ برداشت هایی چون خدا، پیمان الهی، دین اسلام، قرآن و ائمه صورت گرفته است؛ همچنین با دقت در برداشت های متنوع پیرامون این واژه درمی یابیم که تمام برداشت ها از حَبَلِ، چه مستقیم یا غیر مستقیم، به صورت حقیقت یا مجاز، ناظر به مفهوم کلی سبب نجات است؛ به این معنی که اگر حبل به رِيسْمَانِ و طناب، عهد و پیمان، کتاب خدا، دین اسلام، رگ گردن، پیامبر و ائمه، نگاهداشت، ترجمه شده به این سبب است که تمام این ها وسیله ای برای نجات و محافظت از حیات مادی و معنوی انسان است. مثلاً اگر حبل را به رگ گردن؛ [حَبْلُ الْوَرِيدِ: شاهرگ] معادل گذاری کرده اند؛ به جهت اهمیت این رگ در حفظ حیات اعضای بدن و تداوم زندگی نفس انسانی است.

۳-۶. واژه «قسط»

واژه «قسط» از واژگان پر بسامد در قرآن است و کاربرد آن در آیات، اغلب پیرامون عدالت است. از جمله در آیه «فَأَيُّهَا بِالْقِسْطِ» به معنای به دادرسی ایستاده است (آل عمران: ۱۸). در دیدگاه لغویان واژه قسط به دو معنای عدل و ظلم مطرح گردیده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۵) برخی این واژه را در شمار اضداد آورده اند. (ابن سکیت، ۱۹۱۲م، ص ۱۷۴) برخی هم با توجه به ریشه مصدری، آن را معنی کرده اند و گفته اند اگر این واژه از ریشه «قَسَطَ يَقْسِطُ و يَقْسُطُ قَسْطًا» و با اسم فاعل «قاسِط» باشد به معنای، ظلم و جور است. اما چنانچه از ریشه «أَقْسَطَ يُقْسِطُ إِقْسَاطًا» و با اسم فاعل «مُقْسِط» ذکر شود، از آن معنای عدل و داد برداشت می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۰) گروهی از جمله ابن فارس گفته اند قسط در باب تفعیل تقسیط بر وزن تفعیل معنای تفریق و تقسیم می دهد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۶)

مترجمان و مفسران متقدم نیز برای ترجمه قسط، معانی متنوع: راست (یغمایی، ۱۳۵۶ش، ج ۱، ص ۲۰۱)، راست بخشی [المقْسِط: راست بخشش] (بیهقی، ۱۳۸۳ش، ص ۶۸)، داد (میددی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۴۴؛ بخارایی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۸)، عدل و صدق (نسفی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۰۳) را معادل گذاری کرده اند.

البته این نکته روشن نیست که چرا نسفی این کلمه را به عدل ترجمه کرده است؛ حال آنکه قسط معنایی متفاوت از عدل دارد. یا در ترجمه های بخارایی و میبیدی که معنای «داد» را برای قسط آورده اند به نظر می رسد که آنها به این نکته توجه نداشته اند که داد مترادف عدل و بیشتر نشانگر حد تعادل است؛ در حالی که قسط رعایت حق و دوری از ظلم است. البته این واژه از ریشه ثلاثی با معنای انحراف و سرکشی نیز در قرآن آمده است. مثل «وَ أَنَا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ»؛ و اینکه ما برخی مان رام اند و برخی مان کجراه اند (سوره جن: ۱۴) برداشت های مختلف از واژه قسط، گویای آن است که به سبب هر یک از ابعاد معنایی این واژه، می توان لایه معنایی تازه ای را کشف و به مفاهیمی عمیق دست یافت. مثلاً توجه به جنبه معنایی «نصیب»، سبب آگاهی مردم از حق خودشان، و توجه به جنبه تفریق و تقسیم از تقسیط سبب درک آنها از سهم خودشان می شود.

۴-۶. واژه «مهاد»

«مهَد» در لغت جایی را گویند که برای خوابیدن بچه آماده کنند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۱) مهَد و مهَاد به معنای آماده ساختن، مهیا کردن، فراهم نمودن و گستراندن بستر و بساط برای آسایش و آرامش است و به گهواره نیز از آن جهت مهَد گفته می شود که بستری است برای آسایش و رفاه بچه که مادرش آماده کرده است؛ ولی در اصل، هرگونه آماده سازی شرایط را مهَد گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۱۱) در تفاسیر و ترجمه های قرون اولیه، معانی متعدد و متنوعی از جمله: قرارگاه، مأوی (نسفی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۰۱)، آرامگاه ها (میبیدی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۲۷)، بسترگاه (یغمایی، ۱۳۵۶ش، ج ۱، ص ۲۰۰)، فراش (اسفراینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۵۳)، گستراندن (بخارایی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۰۴)، فراش، جایگاه (مخولوف، ۱۳۸۸ش، ص ۲۷) را برای مهَاد ذکر کرده اند.

مهَد و مهَاد که از یک ریشه هستند؛ هم در لغت عرب و هم در قرآن کریم معانی شبیه و نزدیک به هم دارند؛ بنابراین، می توان گفت مهَد همان آماده کردن و مهیا ساختن مکان و شرایط برای زندگی و عاقبت کار خویشتن است. این واژه و مشتقاتش، بارها در قرآن کریم، با معنای گهواره (اعم از گهواره و شرایط زندگی) و عاقبت کارها تکرار شده اند؛ از جمله در آیه «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمُهَدِّ وَ كَهْلًا» (آل عمران: ۴۶)؛ در گهواره و در بزرگی سخن با کسان می گوید.

در آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا» (طه: ۵۳) به معنای زمین برای زندگی مردم آمده است؛ آنکه زمین را برایتان بستر نهاد. در آیه «وَ تُحْشِرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بَسَّ الْمَهَاد» (آل عمران: ۱۲) به معنای

جایگاه اهل عذاب آمده است؛ و در دوزخ گرد آرندتان و بدا آن بستر. در آیه «و مَهْدَتْ لَهُ تَمَهِيدًا» (مدثر: ۱۴) به معنای مهیا کردن آمده است؛ و کار را بر او هموار داشته. این واژه در ترجمه فارسی قرآن‌های خطی کهن هم با معانی متعدد: مکان خواب، گسترش، آرامگاه، فراشاک، جایگاه، گسترگاه، خفتن جای، گاهواره معادل گذاری شده است. (یا حقی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۵۴۸)

به نظر می رسد مهاد حاوی لایه هایی از معانی حقیقی و بطنی می باشد؛ مفاهیمی که از جنس معنای ظاهری نیستند؛ یعنی به نوعی آماده ساختن محیط برای حیات، ایجاد زمینه رشد و تعالی، و آماده سازی شرایط آرامش بشر اشاره می کنند که اعم از فراش مادی و بستر زندگی است و محدود به ارتزاق و آسودن نیست؛ بلکه شامل بستر های فرهنگی، اخلاقی و زیست معنوی هم می شود که ابعادی وسیعتر و مهمتر از حیات مادی را در بر می گیرند؛ بنابر این، معنای بطنی مهاد به نوعی، توسعه معنایی هم یافته اند.

نتایج تحقیق

- ۱- در این مقاله تلاش شد تا با مروری بر تفاسیر و ترجمه های معتبر قرون متقدم روشن سازد که نظام چند معنایی در ترجمه قرآن، روشی بسیار مهم و متفاوت از روش مردمان عصر نزول است که در آن، یک لفظ یا اصطلاح با یک ساختار و اعراب، می تواند در موضع واحد، بر معانی متفاوت دلالت کند.
- ۲- بر اساس شواهد و مستندات که ارائه گردید روشن شد که اکثر الفاظ و اصطلاحات سوره آل عمران همچون «خبل، زبغ، یصوّر، قسط، مهاد» و بسیاری دیگر، از گروه کلمات چند معنایی هستند؛ یعنی توان حمل بر بیش از یک یا چند معنی را دارند.
- ۳- واکاوی ها نشان داد که مترجمان، مفسران و فرهنگ نویسندگان قرون اولیه پس از عصر نزول، اکثر کلمات این سوره را بر مبنای اصل چند معنایی ترجمه کرده اند.
- ۴- در مقاله حاضر تلاش شد تا اهمیت نظام چند معنایی و نقش آن در رسیدن به ترجمه ای مطلوب از قرآن و راهیابی به لایه های معنایی آیات برای مخاطبان تبیین شود؛ همچنین بر این باور تاکید کند که تنها با به کارگیری نظام چند معنایی می توان بستری مناسب برای جامعیت، جاودانگی و پاسخ گویی کلام وحی به انسان عصری را فراهم ساخت.
- ۵- با آنکه موضوعاتی همچون اشتراک لفظی، ظاهر و باطن، حقیقت و مجاز، کنایات، از شاخه های چند معنایی هستند؛ اما در این پژوهش به اثبات رساندیم که وجود مفهوم مشترک بین معانی مختلف کلمه و حمل همزمان لفظ بر هر یک از این معانی در موضع واحد، از

ویژگی‌های منحصر به فردی است که اصل چند معنایی را از موارد مشابه متمایز می‌سازد. ضمناً در خلال مباحث و بررسی‌ها، توانمندی شگفت‌انگیز زبان کهن فارسی و نثر دری در ترجمه مطلوب واژگان قرآنی این سوره به روش چند معنایی نیز آشکار شد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- آملی، سید حیدر، (۱۳۶۸ش)، *جامع الاسرار و منبع الانوار*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن تیمیه، احمد، (۱۴۱۶ق)، *مجموع الفتاوی*، مدینه النبوی: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابن سکیت، یعقوب بن اسحق، (۱۹۱۲م)، *الاضداد*، بیروت: المطبعة الكاثولیکیه.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *مقاییس اللغه*، قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۶۰ش)، *رسائل ابن سینا*، تهران: انتشارات بیدار.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۰۵ق)، *منطق المشرقین*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- اسعدی، محمد، (۱۳۸۶ش)، *سایه‌ها و لایه‌های معنایی؛ درآمدی بر نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری*، قم: بوستان کتاب.
- اسفراینی، شاهفور بن طاهر، (۱۳۷۵ش)، *تاج التراجم فی تفهیم سیر القرآن للاعاجم*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بحرانی، هاشم، (۱۴۱۷ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: دارالتفسیر.
- بخارایی، محمد، (۱۳۶۵ش)، *المستخلص*، ترجمه: مهدی درخشان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۹۷۵م)، *الاشباح و النضائر فی القرآن الکریم*، قاهره: الهیئه المصریه للکتاب.
- بیهقی، احمد بن علی، (۱۳۸۳ش)، *المحیط بلغات القرآن*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- پهلوان نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۰ش)، «معادل‌یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی»، *فصلنامه علوم قرآن و حدیث*، شماره ۱۰.
- جرجانی، سید شریف، (۱۳۶۰ش)، *ترجمان القرآن*، تهران: بنیاد قرآن.
- ذهبی، محمد حسین، (۱۳۸۱ش)، *التفسیر و المفسرون*، قاهره: دارالکتب الدینیة.



- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، قم: انتشارات ذوی القربی.
- رحیمیان، جلال، (۱۳۸۹ش)، *ساخت زبان فارسی*، شیراز: دانشگاه شیراز.
- زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۹۹۷م)، *البرهان*، بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۲۰۰۸م)، *الکشاف*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زنجانی، عمید، (۱۳۶۷ش)، *تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- سجادی، جعفر، (۱۳۶۷ش)، *فرهنگ معارف اسلامی*، قم: شرکت مترجمان ایران.
- سکّاکي، یوسف بن أبی بکر، (۱۹۳۷م)، *مفتاح العلوم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۳ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طبرسی، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۰ق)، *جامع البیان عن تأویل القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق)، *العده فی اصول الفقه*، قم: تیز هوش.
- طیب حسینی، محمود، (۱۳۸۹ش)، *چند معنایی در قرآن کریم*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طیب حسینی، سید محمود، (۱۳۸۷ش)، «بررسی مبانی فرامتنی چند معنایی در قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش و حوزه*، سال ۹، شماره ۱.
- عبدالتواب، رمضان، (۱۳۶۸ش)، *مباحثی در فقه اللغه و زبان شناسی*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- عسکری، ابوهلال، (۱۴۰۰ق)، *الفروق اللغویه*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ش)، *کتاب التفسیر*، تهران: المطبعه العلمیه.
- فراهیدی، خلیل، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: مؤسسه دارالهجره.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، *القاموس المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قرطبی، محمد، (۱۹۶۴م)، *الجامع لأحكام القرآن*، قاهره: دارالکتب المصریه.
- کلینی، محمد، (۱۳۸۹ش)، *الکافی*، قم: دارالحديث.
- محقق، مهدی، (۱۳۴۴ش)، *لسان التنزیل*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدی، علی، (۱۳۷۰ش)، *شرح اصول فقه استاد محمد رضا مظفر*، قم: دارالفکر.

مخلوف عدوی، حسنین محمد، (۱۳۸۸ش)، *کلمات القرآن تفسیر و بیان*، تهران: بنیاد پژوهش های اسلامی.

مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۹ش)، *تفسیر و مفسران*، قم: موسسه فرهنگی تمهید.

منقور، عبدالجلیل، (۲۰۰۱م)، *علم الدلاله اصوله و مباحثه فی التراث العربی*، دمشق: اتحاد الکتاب.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، (۱۳۷۵ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نسفی، محمد، (۱۳۷۶ش)، *تفسیر نسفی*، تهران: انتشارات سروش.

نوری، یحیی، (۱۳۸۵ش)، *اسلام و آراء و عقاید بشری*، تهران: انتشارات نور.

وحیدیان کامکار، تقی، (۱۳۹۰ش)، *بدیع از دیدگاه زیباشناسی*، تهران: سمت.

یاحقی، جعفر، (۱۳۷۲ش)، *فرهنگنامه قرآنی*، مشهد: آستان قدس رضوی.

یغمایی، حبیب، (۱۳۵۶ش)، *ترجمه تفسیر طبری*، تهران: انتشارات توس.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Abdul Tawab, Ramadan, (1368), *Discussions in Jurisprudence and Linguistics*, translated by: Hamidreza Sheikhi, Mashhad: Astan Quds Razavi.

Amoli, Seyyed Heider, (1368), *Jame al-Asrar and Source of Al-Anwar*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

Asadi, Mohammad, (2006), *Shadows and layers of meaning; An introduction to the theory of independent semantics of Quranic passages in the light of interpretive traditions*, Qom: Bostan Kitab.

Askari, Abu Hilal, (1400 AH), *al-Farooq al-Laghuyeh*, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House.

Ayashi, Muhammad bin Masoud, (1380), *Kitab al-Tafseer*, Tehran: Al-Mattaba Al-Alamiya.

Bahrani, Hashem, (1417 AH), *al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Dar al-Tafsir.

Balkhi, Muqatil bin Sulaiman, (1975 AD), *Al-Ashbah wa al-Nazzaer in Al-rrr aan al-Karim*, Cairo: Al-Hiyeh Al-Masriyyah for the Book.

Bayzhaqi, Ahmad bin Ali, (1983), *Al-Muhait Bulgat al-Qur'an*, Qom: Ayatollah Marashi Library.

Bokharai, Mohammad, (1365), translated by Mahdi Derakhshan, Tehran: Tehran University Press.

- Esfraini, Shahfur bin Taher, (1375), Taj al-Tarjam fi Tafsir al-Qur'an for all ages, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Farahidi, Khalil, (1409 AH), Kitab al-Ain, Qom: Dar al-Hijrah Institute.
- Firouzabadi, Muhammad bin Yaqub, (1415 AH), Al-Qamoos al-Muhait, Beirut: Dar al-Katb Al-Elamiya.
- Ibn Fares, Ahmad, (1404 AH), Al-Maqayis al-Lagheh, Qom: School of Islamic Studies.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Beirut: Dar Sadir.
- Ibn Sekiit, Yaqub Ibn Ishaq, (1912 AD), Al-Azdad, Beirut: Al-Mattaba Al-Kathoulikiya.
- Ibn Sina, Hossein bin Abdullah, (1360), Letters of Ibn Sina, Tehran: Bidar Publications.
- Ibn Sina, Hossein bin Abdullah, (1405 A.H.), Logic of the Mashreqin, Qom: Ayatollah Marashi Library.
- Ibn Taymiyyah, Ahmad, (1416 A.H.), Majum al-Fatawi, Madinah al-Nabi: Majma al-Malik Fahd for the printing of al-Musaf al-Sharif.
- Jurjani, Seyyed Sharif, (1360), Interpreter of the Qur'an, Tehran: Qur'an Foundation.
- Kilini, Mohammad, (2009), Al-Kafi, Qom: Dar al-Hadith.
- Makhlouf Adavi, Hasnain Mohammad, (2008), The Words of the Qur'an, Tafsir ve Bayan, Tehran: Islamic Research Foundation.
- Manqour, Abdul Jalil, (2001 AD), "Ilm al-Dalalah Usulah wa Nabsibah fi al-Trath al-Arabi", Damascus: Ittihad al-Katab.
- Marfat, Mohammad Hadi, (1379), Tafsir va Mafsaran, Qom: Tahmhid Cultural Institute.
- Meybodi, Abulfazl Rashiduddin, (1375), Kashf al-Asrar and Kitah al-Abrar, Tehran: Amirkabir Publications.
- Mohaghegh, Mehdi, (1344 AD), Al-Tanzil Language, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Mohammadi, Ali, (1370), Commentary on the principles of jurisprudence of Professor Mohammad Reza Mozafar, Qom: Dar al-Fikr.
- Mustafawi, Hassan, (1430 AH), Tahaqiq fi kalamat al-Qur'an al-Karim, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Nasafi, Mohammad, (1376), Tafsir Nasafi, Tehran: Soroush Publications.
- Nouri, Yahya, (2008), Islam and Human Opinions and Opinions, Tehran: Noor Publications.
- Pahlavan Nejad, Mohammad Reza, (2019), "Equation of Qur'anic words in the light of relationships in semantic network theory", Qur'an and Hadith Science Quarterly, No. 10.

- Qortubi, Muhammad, (1964), Al-Jamee Lahakm al-Qur'an, Cairo: Dar al-Kitab al-Masriyyah.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad, (1412 AH), The Words of the Qur'an, Qom: Dhu al-Qurabi Publications.
- Rahimian, Jalal, (2008), Construction of Persian Language, Shiraz: Shiraz University.
- Sajjadi, Jafar, (1367), Islamic Education Culture, Qom: Iran Translators Company.
- Sakkaki, Yusuf bin Abi Bakr, (1937), Miftah al-Uloom, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Tabari, Muhammad bin Jarir, (1420 A.H.), Jami al-Bayan on Tawheel al-Qur'an, Beirut: Dar al-Fikr.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1413 AH), Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafa.
- Tabarsi, Mirza Hossein, (1408 AH), Mostadrak al-Wasail, Qom: Al-Al-Bayt Institute for Heritage.
- Tayyab Hosseini, Mahmoud, (2008), Multiple Meanings in the Holy Quran, Qom: Hozva and University Research Center.
- Tayyeb Hosseini, Seyyed Mahmoud, (2008), "Investigation of polytextual bases of multiple meanings in the Holy Qur'an", Research and Field Quarterly, year 9, number 1.
- Tusi, Muhammad bin Hassan, (1409 AH), al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Al-Alam al-Islami School.
- Tusi, Muhammad bin Hassan, (1417 AH), Al-Iddah fi Usul al-Fiqh, Qom: Tiz Hoosh.
- Vahidian Kamkar, Taghi, (1390), novel from the aesthetic point of view, Tehran: Samt.
- Yaghmai, Habib, (1356), translation of Tafsir Tabari, Tehran: Tos Publications.
- Yahaghi, Jafar, (1372), Koranic Dictionary, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (2008), Al-Kashaf, Beirut: Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
- Zanjani, Omid, (1367), research and investigation in the history of Sufism, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah.
- Zarkeshi, Muhammad bin Bahadur, (1997 AD), Al-Barhan, Beirut: Dar al-Marafa.
- Zhababi, Muhammad Hossein, (2008), Al-Tafsir and Al-Mufsarun, Cairo: Dar al-Kitab al-Diniyeh.